

اقتباس‌های پورا احمد نزدیک‌ترین نمونه‌ها به جغرافیای داستان است

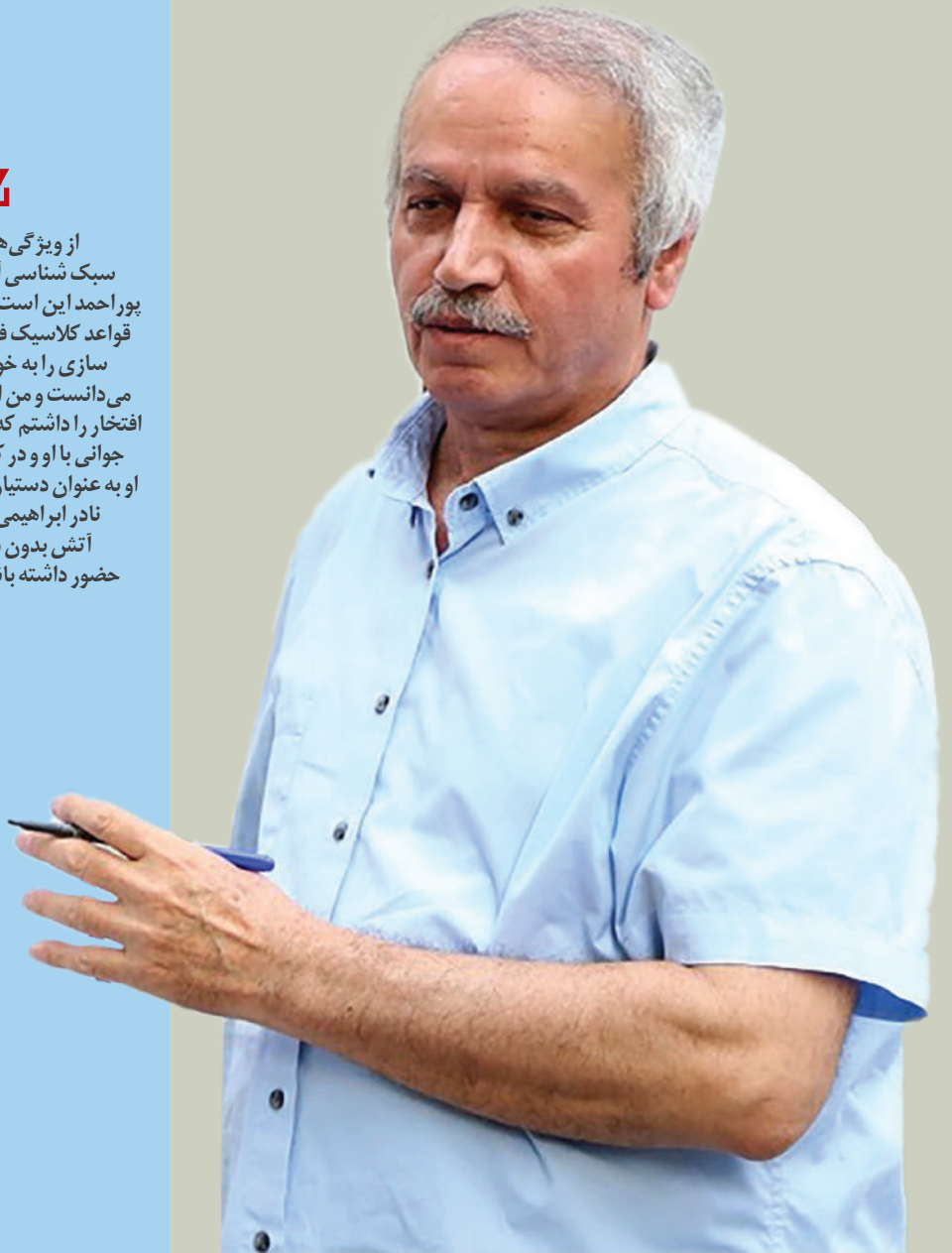
◀ عزیزالله حاجی مشهدی / منتقد

نقشی که در انتقال مفاهیم دشوار دارد. در ساخت فیلم‌های اقتباسی که متاسفانه سینمای ما از کمبود جدی در این بخش رنج می‌برد، بهترین راه همکاری و تعامل که منجر به خروجی قابل قبول شود این است که نویسنده در کنار فیلمنامه نویس باشد و با همدلی همدیگر شخصیتی را کم یا اضافه یا تعدیل

ویرجینیا ولف نویسنده سرشناس و نوگرای انگلیس اعتقاد داشت که قطار سینما خیلی مانده که به ادبیات برسد. اما واقعیت این است که سینما به عنوان یک زبان آمیخته از هنرهای چندگانه شاید سرآمد همه هنرها باشد، این سرآمدی هم به لحاظ میزان اثربخشی و فراگیر بودنش است و هم از نظر جذابیت‌های بصری و



از ویژگی‌های
سبک شناسی آثار
پورا احمد این است که
قواعد کلاسیک فیلم
سازی را به خوبی
می‌داندست و من این
افتخار را داشتم که در
جووانی با او و در کنار
او به عنوان دستیاران
نادر ابراهیمی در
آتش بدون دود
حضور داشته باشم



کنند و کیومرث پورا احمد این تعامل را معمولاً داشته است و به همین دلیل آثار اقتباسی او قابل توجه است.

او تقریباً در همه اقتباس‌هایش وفاداری به اصل داستان را داشته و در بسیاری از کارها بارها گفته که داستان را از آن خود کرده است. او هم در زمینه رمان و هم داستان کوتاه اقتباس‌های موفقی داشته است. در فرایند اقتباس در داستان کوتاه نیاز به افزودن داریم. شخصیت‌ها اضافه می‌شوند و رویدادها افزایش پیدا می‌کنند و پورا احمد در این زمینه به خوبی خط داستانی را گسترش داده و همه را در خط اصلی داستان ارائه داده است و همین کاستن و افزودن کمک می‌کند به ارائه درون ماهی جدید.

اساساً یک داستان کوتاه برای اینکه زمان یک فیلم سینمایی را به خوبی پر کرد باید به ابعاد داستان پردازانه اثر بیشتر توجه کرد. باید سراغ جزئی نگری رفت. مادر این نوع اقتباس یک داستان کوتاه داریم که اگر بخواهیم به خط داستان اصلی پیش برویم باید شخصیت‌های دیگر متناسب با خط اصلی و در همان راستا وارد شوند. در اینجا لازم است تاکید کنم که از ویژگی‌های سبک شناسی آثار پورا احمد این است که قواعد کلاسیک فیلم سازی را به خوبی می‌داندست و من این افتخار را داشتم که در جوانی با او و در کنار او به عنوان دستیاران نادر ابراهیمی در آتش بدون دود حضور داشته باشم. در واقع آشنایی من با پورا احمد را از آن زمان داشتم. پورا احمد به شدت آدم منضبط و خلاق است و نشانه‌های خلاقانه را در همه کارهایش چه کارهای کوتاه ابتدایی و چه فیلم‌های سینمایی می‌شود دید. او همچنین در حوزه‌های مختلف سینما و بویژه تدوین و طراحی لباس آشنایی بسیار داشت و فیلمسازی است که کارهای نجیبانه و متمایز بسیاری در کارنامه دارد و کارهایش استخوان دار است.

چیزی که برای من به عنوان منتقد بسیار مهم و حائز اهمیت است اینکه کارهای اقتباسی پورا احمد نزدیک‌ترین نمونه‌ها به جغرافیای داستان است که این مورد را هم در قصه‌های مجید و هم در اتوبوس شب دیدیم و این فیلم آخری شبیه‌ترین کار محدود و مختصر به بخشی از واقعیت‌های جنگی دوران دفاع مقدس است و کاری ستایش آمیز است. با همه احترامی که به ملاقلی پور دارم اما در نقد فیلمی که بر پرواز شب نوشتم اشاره کردم که این اثر یک کار اغراق آمیز است اما فیلم اتوبوس شب این طور نیست. این فیلم حداقل این فایده را دارد که تعادل دارد و علت آن هم این است که خود داستان این روایت‌ها را به فیلم تزریق کرده است و اگر این گونه نبود مورد انتقاد نویسنده قرار می‌گرفت. در حالی که هم در قصه‌های مجید و هم اتوبوس شب می‌دانیم که نویسنده‌ها از نوع اقتباس راضی بودند و دلیل اصلی آن هم این بود که احمد پور تلاش می‌کرد که شاکله داستان به هیچ وجه به هم نخورد و فیلمنامه را با همراهی نویسنده اثر و مشاوره او پیش ببرد.